

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۰۳ نوامبر ۲۰۱۹

ناتور رحمانی

هموطن غم تو غم ماست

ریزش هر قطره اشک از چشم خونبار کسی

قتل عام جنگل و یا که سقوط آشناست

درد تو دیوانه میسازد مرا ، ای هموطن !

سینه ات تالاب خون، گریه هایت بی صداست

تا کدام اندازه رنج، و تا کدام پیمانہ غم

میدانم هموطن، اندوه بر دلت بی انتهاست

کور شده چشم تو، از گریه کردن سال ها

بهر مرگ هر عزیز، گور عزیزانت کجاست ؟

مرگ می بارد ز آسمان، و زمین بر مُلک ما

این همه ظلم و ستم چرا ، بر ما رواست ؟

مردمان کشورم، در آتش بیداد سوخت

این همه جور و جفا، زاده خشم خداست ؟

چهار طرف زیستبوم ما، ز خون گلگون شده

چشم به سوی آسمان دوختن عزیزم نابجاست

عکس یادگاری و خنده ، روی گور مسکینان

کار وجدان مُرده ها، بدتر ز کفر و ناسزااست

وطن اشغال شده، با مرگ هر روز ماتم است

وطنفروش مزدور، چه بی تلخه و بی حیاست

طمع چپاول ، عشق ریاست جمهوری و چور

حاکمان بی مروت، بردگان حکمرواست

در سرور بزم مزدوران، مست از جام می

گم، داد خواهی و فریاد و فغان بینواست

غم شریکت ای وطنسدار، در هر کجای که هستی

همدرد تو است (ناتور) این سخن بی مدعاست .

